ف ، هیرمند
مشاور حقوقی افغان جرمن آنلاین
۸ مارچ ۲۰۰۹

حقوق زن واسناد حقوقی بین المللی

ثبت حقوق زن در اسناد بین المللی به طور روشن از آوان قرن۲۰ میلادی آغاز میبآبد، قبل از قرن ۲۰ حقوق زن در نظام قوانین ملی تعداد محدودی از کشور ها به صورت خیلی محدود ،جزیی ،نا منظم وسطحی مورد یادآوری قرار گرفته بود ، که کاوش در بارهٔ این قوانین نه تنها یک کار گسترده که از حوصلهٔ این نگارش کوتاه نیز بیرون است ، از جهت دیگر آنچه در گذشته ها بنام حقوق زن مسماً بود است غالباً از لحاظ ماهیت موضوع با آنچه که ما امروزبنام حقوق زن می شناسیم تفاوت زیاد داشته است.

اولین سند حقوقی که در اوآیل قرن ۲۰ میلادی به ملاحظه می رسد قرار داد سال ۱۹۰٤ وبعداً قرار داد ۱۹۱۰م می باشد که میان بعضی از کشورهای دنیا ، که بیشتر آنها اروپایی بودند ، به امضاه رسیده بودند این قرار داد ها فقط از ممانعت و جلوگیری معاملهٔ نسوان کبیره (قاچاق، خرید، فروش و به کرایه گیری زنان) برای شهوت رانی صحبت میکند ، از محتوی این قرارداد ها چنین بر میاید که وقایهٔ حد اقل زنان در برابر تعرضات جسمانی و ارتکاب جرایم جنسی ، بوسیلهٔ آن تامین شود، گرچه مفاد این قرارداد ها در سال ۱۹۳۳م در جامعهٔ ملل (سازمان مشابه ملل متحد) توسط تعداد کثیری از ممالک امضاه شد و حتی شامل حال زنان مناطق و سرزمین های مستعمرات نیز میشد ، اما متن قرارداد ها حاوی کدام حقوق معین متعلق به زنان_مثلاً مصونیت و حراست تمامیت جسمانی زنان_ نبود، هویت حقوقی زن در زیر انبوهی از پرداخته های مواد قرارداد نا مشخص و ناپیدا بود، گویی قرارداد از کدام "شی" حرف می زد.

در کانوانسیون ۱۹۱۹سازمان جامعهٔ ملل ، در پرا گراف ۷ مادهٔ ۳ آن تذکر مختصری از رد تبعیض میان زن و مرد به گونهٔ آتی به عمل آ مده بود: " کلیه کارهای جامعه یا ادارات وابسته به آن وهمچنین دفتر دارالا نشاً آن را میتوان بدون تبعیض به مردان یا زنان محول نمود."

به همین ترتیب در پراگراف ج مادهٔ ٥٥ منشور سازمان ملل متحد در سال ۱۹٤٥پیرامون حقوق زن چنین تذکر صورت گرفته بود: "... سازمان ملل متحد امور زیر را تشویق خواهد کرد: " احترام جهانی و موثر حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس ، زبان و مذهب." دیده میشود که سازمان ملل متحد در آوان ایجاد اش در منشور خود ، صرف به " تشویق" موضوعاتی می پرداخت که منجمله " احترام " (به خاطر داشته باشیم که میان مفاهیم "احترام " و "رعایت" فرق زیادی وجود دارد) به حقوق بشر بدون تبعیض ازحیث ... جنس نیز در آن مطرح بود، به این ترتیب در این منشور هم حقوق زن در لابلای مسایل حقوق بشر و حقوق اساسی ، آنهم در حد "احترام" مبهم بوده و حضور ضعیف و نا کافی دارد.

متعاقباً در ۱۹٤۸م اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر اصدار می یابد ، نخست در مادهٔ ۲ اعلامیه از برابری و تساوی حقوق زن و مرد _ بدون تفاوت جنس _ تذکر به عمل آمده و سپس در مادهٔ ۱٦ از حقوق مشخص زن در عقد ازدواج چنین اعلام میدارد: " ۱_ هر زن و مرد بالغی حق دارند ، بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد ، ملیت، تابعیت و

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید
maqalat@afghan-german.de

یا مذهب با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند، در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن ، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج ، دارای حقوق مساوی می باشند.

۲_ ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانهٔ زن و مرد واقع شود.

در سال ۱۹۵۲ در میثاق حقوق سیاسی زن در میان ۱۱ ماده فقط صرف ۳ ماده را می یابیم که از حقوق سیاسی زن بشارت دارد ، جای دارد که از این مواد یاد آوری کنیم:

" مادهٔ اول: زنان محق خواهند بود که در تمام انتخابات در شرایط برابر با مردان، بدون هیچگونه تبعیض رای دهند.

مادهٔ ۲ : زنان صلاحیت انتخاب شدن برای تمام هیاتهای منتخب عمومی که توسط قوانین ملی ایجاد شده اند در شرایط برابر با مردان، بدون هیچ تبعیض ، را خواهند داشت.

مادهٔ ۳ : زنان صلاحیت تصدی سمت های عمومی و ایفای تمام وظایف عمومی که توسط قوانین ملی ایجاد شده اند در شرایط برابر با مردان ، بدون هیچ تبعیضی را خواهند داشت. "

اما تثبیت حقوق زن در ساحهٔ زندگی مدنی و به خصوص مسایل مانند عقد ازدواج و برابری در آن و تاکید بر اختیاری بودن کامل عقد از سوی زن و انساخ محدودیت های در این زمینه ، اهمیت اساسی را حایز بوده است در حالیکه سهم گیری زنان در زندگی اجتماعی و عمومی از طریق شناسا یی صلاحیت ها و حقوق زنان ، فرصت های را مساعد میسازد ، تا زن در هیات راهبر ، رهنما و هدایت کنندهٔ امور عمومی و اجتماعی به اثبات توانمندی های خود بپردازد ، این روند دومی یعنی اعلام حقوق سیاسی زنان و تعمیل موثر آن ، بدون در هم کوبیدن اسارت زنان در امور مدنی، شخصی ، فرد و خانوادگی ممکن نبود و ممکن نمی باشد.

در جوامعی که آزادی مدنی و حقوق مدنی زن یا مطرح نبوده و یا بسیار جدی تلقی نمی شود، در آنجا حقوق سیاسی زنان نیز به صورت طبعی و منصفانه تحقق یافته نمی تواند ، زن در اسارت امور مدنی محکوم به عقب مانده گی میگردد و طبق امیال مردان (شوهر، پدر، برادر و...) به حزب معین رای میدهد، و اکثریت قریب به اتفاق زنان نمی توانند بدون توافق و اجازهٔ محارم شرعی ایشان ، خویش را کاندید کنند ، این امر به ویژه در کشورهای کم رشد مانند افغانستان کاملاً مصداق دارد، زنان مظلوم جامعهٔ افغانی بعضاً مجبور ساخته شده اند تا برای احزابی یا اشخاصی رای بدهند که به طور مفرطی علیه حقوق اساسی و آزادی زنان هستند، زنان در واقع مجبور به رای دادن علیه خودی میگردند ، زنان جامعهٔ ما در کمال معصومیت به آن وادار شده اند تا با دستان خود ، خویش را سر کوب کنند، و این نمونهٔ بد خصومت ، علیه حقوق زن خواهد بود.

در سال ۱۹٦٦ م دو میثاق مهم دیگر از طرف سازمان ملل متحد به تصویب رسید یکی میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و دیگری میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ، که این دو میثاق نیز گام های چند در راه گسترش حقوق زن برداشتند، و مفادی را در ساحات معین حقوقی زنان در خویش جا دادند، با وجود این همه اعلامیه ، میثاق، قرارداد و اسناد ، ظلم ، بی عدالتی ، استبداد، نابرابری وغارت زنان باز هم ادامه یافت، که این حقیقت را آخرین میثاق در بارهٔ حقوق زنان تایید میکند، بنابران کشورهای عضو سازمان ملل متحد در ۱۸دسامبر۱۹۷۹تصمیم گرفتند تا میثاق جداگانه ومستقلی را تحت سرنامهٔ " میثاق رفع کایه تبعیضات علیه زنان" به تصویب برسانند، که تا سال ۲۰۰۷ م ۱۸۵ کشور به این میثاق ملحق شدند، افغانستان نیز در سال۱۹۸۰م آن را

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید
maqalat@afghan-german.de

امضا ه کرد و در سال ۲۰۰۳ الحاق خود را مورد تایید قرار داد، میثاق رفع تبعیض علیه زنان در توضیحات مقدماتی خود ، نکات مهمی در بارهٔ وضعیت زنان در سراسر جهان دارد ومطالب اصلی خود را در ۳۰ ماده گنجانیده است که ۱۶مادهٔ اولی به طور کامل به تعریف ، توصیف و توضیح حقوق زنان و وظایف مشخص دول ملحقه به میثاق ، پیرامون تحقق حقوق زنان تخصیص یافته است، مادهٔ اول این میثاق "تبعیض علیه زنان" به این گونه تعریف نموده است:" هرگونه تمایز، استثناه (محرومیت) یا محدودیت بر اساس جنسیت که نتایج یا هدف آن خدشه دار کردن یا لغو شناسایی ، بهره مندی ، یا اعمال حقوق بشر و آزادی های اساسی در زمینه های سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینهٔ دیگر توسط زنان، صرف نظر از وضعیت زناشویی ایشان، بر اساس تساوی میان زنان و مردان، اطلاق میگردد." در متباقی مواد میثاق ، حقوق اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی ، مدنی ، خانواده گی ، ازدواج، حقوق سیاسی، حقوق کار و استخدام، هویت و اهلیت حقوقی، سهم گیری در کارهای امور خدمات عامه ، قضایی، دیپلوماتیک، تابعیت، حقوق دوران حامله گی، و رخصتی های ولادی با معاش ، آموزش و پرورش ، وقایه ومعالجه و ده ها مورد دیگر را صریحاً اعلام نموده است، میثاق برای تضمین تحقق هر یک از مفاد اش ، راهکارهای مشخصی را تذکر داده است و نیز مکلفیت های را در این زمینه بر عهدهٔ دولت ها گذاشته است، همچنان کمیتهٔ نظارت رفع تبعیض علیه زنان مربوط سازمان ملل متحد، از رعایت و پیروی دقیق ارزش های این میثاق مواظبت میکند.

افغانستان که عضو این میثاق میباشد مکلفیت دارد تا مندرجات این میثاق را به طور کامل مورد تطبیق قرار بدهد، اما در این کشور بنا بر امیال سیاسی گاهگاهی حقوق زنان مورد معامله های سیاسی قرار گرفته و رویه ها ، عملکرد ها ، تصامیم و اتخاذ مواضع ، بارها مندرجات میثاق را نقض کرده است.

حکومت پاکستان که در جملهٔ امضاه کننده گان میثاق زن میباشد ، قرارداد با طالبان سوات را (که جداً مناقض ارزش های مندرج میثاق متذکره است) به امضاه رسانده و حقوق زنان را در زمینه های مختلف انسانی لگد مال کرده است.

تجلیل روز هشتم مارچ به حیث روز جهانی حرمت گذاری به مقام زن ، زمانی میتواند به شکل جشن و پایکوبی زیبنده باشد که قبلاً کارهای اساسی در مورد شناسایی حقوق مشخص و قابل حسابگیری زنان اجرا شده باشد.

ختم

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید
maqalat@afghan-german.de